

Journal iranian political sociology
Vol. 5, No.12, Esfand 2023

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.346107.3549>

The Impact of Administrations of Obama and Trump Sanctions on Iran's Socio-Political and Economic Conditions

This paper compares the economic and socio-political consequences of pre- and post- JCPOA sanctions imposed on Iranian society with the aim of assessing the role of the resilience as one of the main components of Iranian strategic culture in neutralizing the impact of sanctions. The question to be answered is: "what lesson may be concluded through comparing the similarities and differences between the imposed sanctions on Iran under the administrations of Obama and Trump in comparison while considering their consequences on the socio-political and economic conditions of the country and why? To properly answer this question, the intentions and actions of the sanctioning party, the mechanisms of the sanction and the way the sanctioned party reacts to sanctions as well as the intersection of these three dimensions have to be recognized. The initial response (hypothesis) in terms of these three dimensions is: "despite being more severe the sanctions imposed to Iran during the administration of Trump have only worsened Iran's economic situation compared to sanctions under the Obama's administration, and the country's socio-political situation is largely insured against tougher sanctions, which traces back to the rally- around -the- flag." This paper is descriptive-analytical and utilizes inferential methodology. The analysis of findings, mainly conducted through reasoning and qualitative analysis intensifies the validity of the hypothesis.

Keywords: Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA), Rally-Around-the-Flag Effect, Pre JCPOA-Sanctions, Post-JCPOA Sanctions, Resilience.

تأثیر تحریم‌های دوران اوپاما و ترامپ بر شرایط سیاسی-اجتماعی و اقتصادی ایران

غلامحسین کردی^۱
 محمدعلی خسروی^۲
 رضا جلالی^۳
 سوسن صفاوردی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

چکیده

مقاله حاضر با مطالعه تطبیقی پیامدهای اقتصادی و سیاسی-اجتماعی تحریم‌های پیش و پس از برجام بر جامعه ایران به دنبال ارزیابی نقش پدیده مقاومت به مثابه یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی ایرانیان در بی‌اثرساختن تأثیر تحریم‌ها است. پرسش اصلی مقاله حاضر اینگونه مطرح شده است که «اصلی‌ترین پیام نهفته در شباهت‌ها و تفاوت‌های تحریم‌های پیش و پس از برجام برحسب پیامدهای آنها بر شرایط سیاسی-اجتماعی و اقتصادی کشور کدام است و دلیل آن چیست؟» پاسخ مناسب به این پرسش نیازمند شناخت همزمان نیت و اقدام‌های طرف تحریم‌کننده، سازوکارهای تحریم و شیوه مواجهه طرف تحریم‌شوند با تحریم‌ها و تلاقی این سه بعد با یکدیگر است. پاسخ اولیه (فرضیه) مقاله با لحاظ سه بعد مذکور این بوده است که «تحریم‌های ترامپ به‌رغم شدت بیشتر تنها شرایط اقتصادی ایران را در مقایسه با تحریم‌های اوپاما وخیم‌تر کرده است و شرایط سیاسی-اجتماعی کشور تا حد زیادی در برابر تحریم‌های شدیدتر بیمه شده است که دلیل آن را باید در اثر وحدت حول پرچم جستجو کرد.» مقاله پیش‌رو از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و از روش‌شناسی استنتاجی بهره برده و تجزیه و تحلیل یافته‌ها که به‌طور عمده با شیوه استدلال و تحلیل کیفی انجام پذیرفته است بر صدق پاسخ اولیه گواهی می‌دهند. واژگان کلیدی: برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، اثر وحدت حول پرچم، تحریم‌های پیش‌برجام، تحریم‌های پس‌برجام، مقاومت.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
 un.kordi@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
 malikhosravi@gmail.com

^۳ استادیار گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
 dr_rezajalali@yahoo.com

^۴ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
 Safaverdi.so@gmail.com

تحریم‌های پسابرجامی احتمالاً فراگیرترین و نظام‌مندترین تحریم‌ها در نظام بین‌الملل معاصر به‌شمار می‌آیند که به‌دنبال خروج ترامپ از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) علیه ایران اعمال شد و تقریباً تمام فعالیت‌های اقتصادی و مالی ایران را در بر می‌گرفت و بسیاری از راه‌های ممکن برای دور زدن قانونی یا غیرقانونی تحریم‌ها از سوی تهران را مسدود ساخته بود. این تحریم‌ها اگرچه با خروج ترامپ از کاخ سفید در بهمن‌ماه ۱۳۹۹ به‌دنبال شکست در انتخابات آبان‌ماه همان سال کماکان به‌مثابه ابزار فشاری در دست جو بایدن، رئیس‌جمهور جدید ایالات متحده با هدف ترغیب ایران جهت پذیرش شرایط واشنگتن در مسیر احیای برجام باقی مانده، اما پیگیری‌ها و سختگیری‌های ایالات متحده نسبت به اعمال بخشی از آنها با کاهش همراه بوده است که می‌توان آن‌را نشانه‌ای مبنی بر تمایل بایدن و بخشی از هیأت حاکمه آمریکا برای بازگشت دوباره به برجام دانست.

تحریم‌های ایالات متحده علیه تهران به‌ویژه تحریم‌های ۱۵ سال گذشته این کشور علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از جنبه‌های متعدد و با اهداف گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و ادبیات دانشگاهی پیرامون این موضوع در مجموع غنی است. با این همه به پدیده تحریم‌ها از نگاه مقایسه‌ای کمتر توجه شده است. علاوه بر این، غلبه رویکرد جزئی‌نگری بر عمده پژوهش‌های پیشین، تعمیم و بنابراین کاربردپذیری یافته‌های آنها را دشوار می‌سازد. از این رو، مقاله حاضر با مطالعه تطبیقی آثار تحریم‌های دوران اوپاما و ترامپ بر جامعه ایران به‌دنبال کشف نکته‌های حائز اهمیت نهفته در رژیم تحریم‌ها علیه کشورمان از طریق شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو دسته تحریم و تطبیق با پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ناشی از آن است.

با این توصیف، پرسش اصلی مقاله حاضر اینگونه مطرح شده است که «اصلی‌ترین پیام نهفته در شباهت‌ها و تفاوت‌های تحریم‌های پیش و پس از برجام برحسب پیامدهای آنها بر شرایط سیاسی-اجتماعی و اقتصادی کشور کدام است و دلیل آن چیست؟» پاسخ مناسب به این پرسش نیازمند شناخت همزمان نیات و اقدام‌های طرف تحریم‌کننده، سازوکارهای تحریم و شیوه مواجهه طرف تحریم‌شوند با تحریم‌ها و تلاقی این سه بعد با یکدیگر است. به‌منظور درک این سه بعد در رابطه با یکدیگر، مقاله حاضر با اعمال نظریه تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی یوهان گالتونگ^۱ در رابطه با تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران، این پاسخ اولیه (فرضیه) را ارائه داده است که «تحریم‌های ترامپ به‌رغم شدت بیشتر تنها شرایط اقتصادی ایران را در مقایسه با تحریم‌های اوپاما وخیم‌تر کرده است و شرایط سیاسی-اجتماعی کشور تا حد زیادی در برابر تحریم‌های شدیدتر بیمه شده است که دلیل آن‌را باید در اثر وحدت حول پرچم^۲ جستجو کرد.»

۱. ادبیات موضوع

اقتصاد و مسایل مرتبط با آن بیشترین حجم ادبیات تحریم در سیاست بین‌الملل از جمله تحریم‌ها علیه ایران را به‌خود اختصاص می‌دهد. یافته‌های مقدسی کلیشومی^۳ و نیستیکو^۴ (۲۰۲۲) نشان می‌دهد که تحریم‌ها، نرخ اشتغال در بخش صنعت ایران را طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۲۰ به میزان ۱۶,۴ درصد کاهش داده است. تأثیر تحریم‌های اقتصادی دوران اوپاما و رفع آنها

^۱ Johan Galtung

^۲ Rally-Around-the-Flag Effect

^۳ Ali Moghaddasi Kelishomi

^۴ Roberto Nistico

به‌واسطه برجام بر بخش انرژی ایران از جمله موضوع‌های اقتصادی به‌شمار می‌آید که مورد توجه احمدی^۵ (۲۰۱۸) بوده است. احمدی، تحریم‌های نفتی بین‌المللی و یکجانبه پیش‌برجام علیه ایران را دلیل اصلی بلا تکلیفی اقتصادی و سیاسی کشور در آن دوران می‌داند و در شرایط پس‌برجام از مفهوم «دیپلماسی نفت» حمایت می‌کرد. برپایه یافته‌های گرشاسبی و یوسفی (۱۳۹۵)، آثار مستقیم تحریم‌ها تنها در خصوص رشد اقتصادی و رابطه مبادله معنادار است. ضمن اینکه نویسندگان بر این اعتقاد هستند که رابطه مستقیمی میان شدت تحریم‌ها و آثار آن بر متغیرهای اقتصادی وجود دارد.

در رابطه با تأثیرات اجتماعی تحریم‌ها علیه ایران، مدنی-لواسانی^۶ (۲۰۲۰) با تدقیق در تأثیر تحریم‌های یکجانبه واشنگتن علیه تهران بر سلامت کودکان ایرانی، ادعای هدفمندی آنها را مردود شمرده و بر این باور است که تحریم‌های به‌اصطلاح هدفمند ایالات متحده به قابلیت جلوگیری از آسیب‌های جانبی به جمعیت گسترده‌تر مجهر نیستند. یافته‌های عبدلی^۷ (۲۰۲۰) نیز آشکارا نشان می‌دهد که تحریم‌های سیاسی و اقتصادی ایالات متحده، نظام سلامت ایران را به‌ویژه در دوران همه‌گیری کرونا عمیقاً به‌خطر انداخته است. همچنین، خمرنیا و همکاران (۱۳۹۹) با سنجش آثار تحریم‌ها بر شیوع کرونا و چگونگی مقابله با آن در ایران به نتایج مشابهی دست یافته‌اند. آثار بشردوستانه تحریم‌ها بر حق سلامت ایرانیان و و تعهدات ایران و جامعه بین‌المللی در قبال آن، موضوعی است که مورد کوکی‌ساقی^۸ (۲۰۱۸) قرار داشته است. گستره تأثیر تحریم‌ها بر مسایل اجتماعی از حوزه سلامت و بهداشت بسیار فراتر می‌رود و تقریباً همه ابعاد زیست اجتماعی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد و این واقعیتی است که مدنی^۹ (۲۰۲۱) در رابطه با آثار مخرب تحریم‌ها بر محیط‌زیست و بوم‌سازگان ایران به آن اشاره می‌کند. تأثیر اعمال و لغو تحریم‌ها بر بازارهای مالی به‌ویژه بازار بورس ایران از جمله موضوع‌های اقتصادی-سیاسی مرتبط با تحریم‌ها به‌شمار می‌آید که از سوی قاسمی‌نژاد^{۱۰} و جان‌پرور^{۱۱} (۲۰۲۱) پیرامون تحریم‌های پیش‌برجامی مورد مطالعه قرار گرفته است. یزدانی و نوذری (۱۳۹۳) نیز بر این عقیده‌اند که اگرچه با استناد به نظریه‌های رئالیسم و لیبرالیسم، تحریم‌های اقتصادی دوران اوپاما علاوه بر تحمیل هزینه‌های نسبتاً سنگین بر ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی تا حدودی تغییر رفتار سیاسی ایران را نیز در پی داشته‌اند، اما از دیدگاه سازه‌انگاران هر چند تحریم‌ها اثرات اقتصادی زیانباری برجا گذاشته‌اند، اما نتوانسته‌اند بر اراده و عزم سیاسی دولت و ملت ایران در استیفای حقوق قانونی خود خللی وارد نماید. مصلی‌نژاد (۱۳۹۴) بر پیامدهای سیاست خارجی تحریم‌ها علیه ایران توجه دارد و مقابله با تحریم‌های اقتصادی یکجانبه را به‌عنوان یکی از ضرورت‌های راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کند.

۲. مبانی نظری

نظریه مرسوم در مورد نحوه عملکرد تحریم‌ها بر این پیش‌فرض مبتنی است که تغییرات سیاسی مستقیماً با مشکلات اقتصادی مرتبط است و بنابراین هرچه درد اقتصادی ناشی از تحریم‌ها بیشتر باشد، احتمال تبعیت سیاسی بازیگر تحت تحریم

۵ Amir Ahmadi

۶ Yasmin Madani-Lavassani

۷ Amir Abdoli

۸ Fatemeh Kokabisaghi

۹ Kaveh Madani

۱۰ Saeed Ghasseminejada

۱۱ Mohammad R. Jahan-Parvar

(هدف) از طرف تحریم‌کننده (فرستنده)^۲ بیشتر است. برپایه این نظریه، جمعیت کشور هدف، درد تحریم‌ها را به سمت رهبران سیاسی هدایت می‌کند که تغییر سیاست را ناگزیر می‌سازد. این نظریه از سوی بسیاری از نظریه‌پردازان مورد انتقاد قرار گرفته است. آنها اظهار می‌دارند که عوامل اقتصادی، موفقیت یا شکست تحریم‌های اقتصادی را توضیح نمی‌دهند و کلید تصمیم‌گیری برای نتایج را باید در عوامل سیاسی داخلی و بین‌المللی جستجو کرد. یوهان گالتونگ (۱۹۶۷: ۳۸۰) این وضعیت را تحت عنوان نظریه ساده‌لوحانه^۳ تحریم‌ها شناسایی می‌کند و بر این باور است که آثار اقتصادی تحریم‌ها لزوماً به تأثیر سیاسی منجر نمی‌شود، زیرا سازوکاری برای انتقال مستقیم آنها وجود ندارد.

بنابراین، تحریم‌های اقتصادی لزوماً با تحمیل دردهای اقتصادی بیشتر بر هدف، موفق نمی‌شوند. عدم تقارن‌های اقتصادی چیزی در مورد ارزش‌گذاری نسبی بازیگر تحت تحریم از امتیازات سیاسی مورد نظر یا ارزش خالص رابطه اقتصادی فرستنده-هدف ارایه نمی‌دهد و اقتصاد به تنهایی برای درک محاسبات هدف کافی نیست (Whang, 2010: 361-362). حتی نویسندگان رویکرد مطالعاتی اچ‌اس‌ای^۴ که موفقیت نسبی تحریم‌ها (در حدود یک سوم) را می‌پذیرند نیز محدودیت‌هایی بر اثرگذاری سیاست تحریم و تهدید به تحریم قایل هستند؛ از جمله اینکه انتظارات از اعمال تحریم‌های اقتصادی محدود باشد، کشور هدف از نظر اقتصادی ضعیف و به‌لحاظ سیاسی ناپایدار باشد، کشور فرستنده از هزینه‌های بالا و پایدار ناشی از اعمال تحریم در امان باشد و یا کمترین آسیب را متحمل شود، مناسبات میان فرستنده و هدف در سطح دوستانه یا دست‌کم غیر خصمانه باشد، سهم تراکنش‌های بازرگانی و مالی میان کشور هدف و فرستنده دست‌کم تا ۲۵ درصد کل حجم تجارت خارجی کشور هدف بالا باشد و تحریم‌های اقتصادی به‌سرعت با حداکثر سخت‌گیری و بدون کمک بین‌المللی قابل توجه شرکای تجاری کشور هدف و بدون امکان دور زدن چنین محدودیت‌هایی اعمال شوند (Hufbauer et al., 1990: 49-115).

با این توصیف، بحث درباره چگونگی عملکرد و نیز میزان موفقیت تحریم‌ها فراوان است. منتقدان استدلال می‌کنند که تحریم‌ها به‌ندرت باعث ایجاد تغییراتی در رفتار دولت‌های هدف می‌شوند، هزینه‌هایی را بر شرکت‌های دولت‌های فرستنده تحمیل می‌کنند و اغلب، شهروندان کشورهای هدف را مجازات می‌کنند (Giumelli, 2013: 7; Ozdamar and Shahin, 2021). یکی از انتقادهای جدی و دیرینه به سیاست تحریم‌های اقتصادی این است که آنها باعث ایجاد اثر «وحدت حول پرچم» در کشور هدف می‌شوند و پیامدهای تحریم را معکوس می‌سازند. اثر یا سندرم وحدت حول پرچم هم به‌لحاظ نظری و هم در سپهر عملی به تکرار برای توضیح افزایش حمایت مردمی از هیأت حاکمه یا رهبران سیاسی یک کشور در طول دوره‌های جنگ یا بحران بین‌المللی از جمله تحریم‌ها استفاده شده است، وضعیتی که می‌تواند نه‌تنها به بقای نظام سیاسی و رهبران، بلکه به افزایش محبوبیت آنها در جامعه هدف تحریم منجر شود (Alexseev and Hale, 2019: 344-345).

پژوهش‌های متعددی را می‌توان سراغ گرفت که، اثرات معکوس قابل توجهی را در جوامع هدف تحریم برخلاف خواست و نیت مورد انتظار دولت‌های فرستنده گزارش کرده‌اند، حتی زمانی که تحریم‌های به‌اصطلاح هوشمند، رهبران و بخش‌های حاکمیتی را هدف قرار داده‌اند (Grossman et al., 2018: 1823). تحریم‌هایی که نخبگان اقتصادی و شرکت‌ها را در بخش‌های کلیدی هدف قرار می‌دهند با کند کردن رشد اقتصادی به‌طور کلی به شهروندان سرایت می‌کند. اینکه تحریم‌های

^۱Target

^۲Sender

^۳Naïve Theory

^۴The Hufbauer-Schott-Elliot Approach (HSE)

هوشمند تا چه حد هزینه‌های گسترده‌تری را بر شهروندان تحمیل می‌کنند به جزئیات رژیم تحریم‌ها بستگی دارد، اما به راحتی می‌توان دید که چگونه تحریم‌های هدفمند ممکن است بر وضعیت اقتصادی شهروندان عادی تأثیر بگذارد (Frye, 2018: ۹۷۰). از این رو، اثر وحدت حول پرچم برای تحریم‌های به‌اصطلاح هوشمند نیز به‌خوبی قابل احراز است.

۳. روش پژوهش

مقاله پیش‌رو از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و از روش‌شناسی استنتاجی (با استناد به قوه فهم پژوهش‌گران در درک پوشش‌های مربوط به رژیم تحریم‌های ایالات متحده علیه تهران و تأثیر آن بر شرایط اجتماعی-اقتصادی و سیاسی کشور) بهره برده و تجزیه و تحلیل یافته‌ها به‌طور عمده با شیوه استدلال و تحلیل کیفی انجام پذیرفته است.

۴. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل آنها

۴-۱. تحریم‌های هسته‌ای پیش‌برجام

تحریم‌های دوران ریاست‌جمهوری اوباما علیه ایران متعاقب برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز کشورمان دارای دو ویژگی برجسته بود. نخست اینکه با تحریم‌های بین‌المللی و تحریم‌های یکجانبه برخی دیگر از هم‌پیمانان ایالات متحده همزمان و همراه بود. دوم اینکه، کنگره این کشور نیز علاوه بر تحریم‌های اجرایی رئیس‌جمهور، تحریم‌های هسته‌ای علیه تهران وضع کرده بود. نخستین تحریم مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را شورای امنیت ملل متحد در ۲ دی‌ماه ۱۳۸۵ با صدور قطعنامه ۱۷۳۷ به اتفاق آرا تصویب کرد که دولت‌ها را از انتقال فناوری‌های حساس هسته‌ای و موشکی به ایران منع می‌ساخت و همه کشورها را ملزم می‌داشت که دارایی‌های ده سازمان و دوازده فرد ایرانی دخیل در برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران مسدود کنند. قطعنامه ۱۷۴۷ (۴ فروردین‌ماه ۱۳۸۶) نیز تحریم اشخاص و سازمان‌ها، ممنوعیت صادرات و واردات سلاح‌های سنگین به ایران را وضع نمود. دامنه تحریم‌ها علیه ایران برای نخستین بار در قطعنامه ۱۸۰۳ (۱۳ اسفندماه ۱۳۸۶) به حوزه اقتصادی کشیده شد و در قطعنامه ۱۹۲۹ (۲۰ خرداد ۱۳۸۹) محدودیت‌های بازرگانی و اقتصادی بیشتری علیه کشورمان اعمال گردید که در قطعنامه ۱۹۸۴ (۱۹ خرداد ۱۳۹۰) مدت آنها تمدید شد (Balán, 2013: 370).

اتحادیه اروپایی نیز در ۸ اسفند ۱۳۸۵ پیرو قطعنامه شورای امنیت، محدودیت‌هایی بر صادرات تجهیزات و فناوری‌های حساس به ایران وضع کرد که دامنه آنها در سال‌های بعد گسترش یافت تا اینکه در ۴ مردادماه ۱۳۸۹ بسته تازه‌ای از تحریم‌ها در حوزه تجارت، خدمات مالی، انرژی، حمل‌ونقل و مسدود نمودن دارایی‌ها علیه تهران اعمال نمود (Reuters, 9 June 2011). نخستین تحریم ثانویه^۶ ایالات متحده علیه برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران نیز به قانون جامع تحریم‌ها، پاسخگویی و عدم سرمایه‌گذاری ایران^۷ بازمی‌گردد که در ۳ تیرماه ۱۳۸۹ (با اجماع سناتورها و اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان مجلس) به تصویب کنگره آمریکا رسید. این قانون در اصل قانون تحریم‌های ایران ۱۹۹۶ (ایلسا^۸ موسوم به قانون تحریم‌های داماتو^۹ که در سال ۱۳۸۵ به قانون ایسا^{۱۰} تغییر نام داد) را گسترش می‌داد و شرکت‌ها و افرادی که به بخش نفت ایران کمک می‌رسانند را مجازات می‌کرد (GovInfo, 2010).

^۶Secondary Sanction

^۷Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act of 2010

^۸Iran and Libya Sanctions Act (ILSA)

^۹D'Amato

^{۱۰}Iran Sanctions Act (ISA)

قانون داماتو نخستین تحریم ثانویه علیه ایران به‌شمار می‌آید که همه افراد و شرکت‌ها اعم از آمریکایی و غیرآمریکایی را از معامله با ایران برحذر می‌داشت. در واقع، قانون تحریم‌های تیرماه ۱۳۸۹ سرآغاز وضع دور تازه‌ای از این نوع تحریم‌ها علیه این به‌شمار می‌آید که از حوزه انرژی فراتر رفت و به‌تدریج همه حوزه‌ها را دربرگرفت و زیرساخت‌های تجارت ایران با سایر کشورها از جمله در زمینه پرداخت‌های بین بانکی، انرژی، صادرات و واردات، ترابری و بیمه را هدف قرار داد. به این ترتیب، مخاطرات، هزینه‌ها و مجازات‌های معامله با ایران، اکثر قریب به‌اتفاق شرکت‌های خارجی را از معامله با کشورمان منصرف ساخت.

اوباما نیز با صدور فرمان‌های اجرایی بی‌نیاز از تأیید کنگره، تحریم‌های گسترده‌ای علیه ایران وضع نمود که اغلب آنها در شمول تحریم‌های ثانویه قرار داشتند. وزارت خزانه‌داری آمریکا در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۲ نه‌تنها دولت‌ها و شرکت‌ها در سراسر جهان را از مرادها با شرکت‌ها و بعضاً اشخاص دولتی اعم از کشوری و لشکری و شرکت‌های خصوصی فعال در حوزه دفاع، نفت و پتروشیمی، انرژی، فناوری، بیمه و حمل‌ونقل هوایی و دریایی برحذر داشت، بلکه حتی برای شرکت‌های خارجی طرف معامله بانک مرکزی ایران نیز جریمه وضع کرد (Katzman, 2017: 38-39). فرایند تشدید تحریم‌های ثانویه واشنگتن علیه تهران ادامه داشت تا اینکه به‌دنبال پیدایش نشانه‌هایی مبنی بر دستیابی قریب‌الوقوع به تفاهم میان ایران و ۱+۵ از سوی اوباما در نیمه دوم سال ۱۳۹۲ برخلاف دیدگاه جمهوری‌خواهان این کشور متوقف شد، تاجایی‌که وی در سخنرانی سالانه خود در کنگره به تاریخ ۳۰ دی‌ماه ۱۳۹۳ برای چندمین بار آشکارا اظهار داشته بود که تحریم‌های تازه احتمالی کنگره علیه ایران را به‌دلیل به‌بن‌بست رساندن دیپلماسی و شکست مذاکرات و تو خواهد کرد (USDoT, 20 January 2015).

در نهایت با امضای برنامه جامع اقدام مشترک در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ و تأیید شورای امنیت ملل متحد در ۲۹ تیرماه با صدور قطعنامه ۲۲۳۱ و اجرایی‌شدن آن در ۲۷ دی‌ماه همان سال، قریب به اتفاق تحریم‌های مالی و اقتصادی یکجانبه و چندجانبه مربوط به برنامه هسته‌ای ایران برچیده شدند. با اینکه تحریم‌های ثانویه وضع شده از سوی کنگره آمریکا به‌علت عدم همراهی نمایندگان و سناتورهای لغو‌نشدند، اما اوباما با استفاده از اختیارات قانونی خود، اجرای آنها را به حالت تعلیق درآورد (Kerr and Katzman, 2018: 7-8). تمدید قانون ایسا (داماتو) در ۱۱ آذرماه ۱۳۹۵ از سوی کنگره آمریکا با تلاش مخالفان برجرام نیز اگرچه به مباحث در خصوص مغایرت تحریم‌های یکجانبه غیرهسته‌ای با نص صریح یا دست‌کم روح برجرام دامن زد و اعتراض رسمی تهران به دبیرکل ملل متحد را به‌همراه داشت، اما مانع از تداوم توافق هسته‌ای ایران و ۱+۵ تا خروج ترامپ از آن نشد، زیرا تمدید این قانون به‌خودی‌خود معادل بازگشت خودکار تحریم‌های آمریکا نبود و نیازمند تصمیم‌های جداگانه‌ای از سوی رئیس‌جمهور این کشور بود (بعیدی‌نژاد، ۱۳۹۵) که اوباما از آن سر باز زد.

۲-۴. تحریم‌های هسته‌ای پس‌برجام

پیرو اعلام رسمی ترامپ در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ مبنی بر خروج ایالات متحده از برجام، نه‌تنها تحریم‌های هسته‌ای ایالات متحده در هر دو شکل قوانین تحریمی کنگره و فرمان‌های اجرایی پیشین در رابطه با تحریم ایران پس از دو سال با شدت و گستره بیشتری از سر گرفته شد، بلکه رئیس‌جمهوری وقت ایالات متحده با صدور پنج فرمان اجرایی تازه، دامنه تحریم‌ها را تا شمول موضوع‌ها، افراد و نهادهای بیشتری گسترش داد. دونالد ترامپ در ۱۵ مردادماه ۱۳۹۷ با امضای فرمان اجرایی ۱۳۸۶۴ تحت عنوان «بازگرداندن برخی تحریم‌ها علیه ایران»، سه قانون تحریمی کنگره علیه ایران که مهمترین بخش‌های خدماتی و صنایع کشورمان از جمله بانک، نفت، گاز و پتروشیمی را هدف قرار می‌دهد دوباره به جریان انداخت. این فرمان اجرایی به بازه زمانی ۱۸۰ روزه‌ای اشاره داشت که فرصتی برای بازگرداندن تحریم‌های پیشین را فراهم می‌کرد (USDoT, 6 August 2018). وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز برپایه همین فرمان اجرایی در نوامبر سال ۲۰۱۸ از اعمال دوباره همه تحریم‌هایی خبر

داد که بر مبنای برجام لغو یا تعلیق شده بودند. از جمله در این اطلاعیه به بازگرداندن نام بیش از ۷۰۰ فرد، نهاد، هواپیماها و شناور تحریم شده اشاره شده است.

یک سال پس از خروج یکجانبه ایالات متحده از برجام و دقیقاً همزمان با «کاهش تعهدات» و آغاز اقدامات «جبرانی» ایران در واکنش به بازگشت تحریم‌های آمریکا و بی‌عملی اروپا در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸، ترامپ نیز با امضای فرمان اجرایی ۱۳۸۷۱، تحریم‌هایی تازه‌ای بر صنایع کلیدی فلزات، آلومینیوم و مس ایران وضع کرد. بر پایه این فرمان اجرایی هر شخص حقیقی یا حقوقی آمریکایی یا غیرآمریکایی که در فروش، تجهیز و یا انتقال اقلام یا خدمات مرتبط با صنایع فلزی ایران در ارتباط باشد، مشمول تحریم خواهد شد (USDOT, 8 May 2019). در سومین گام تحریم‌های تازه، دونالد ترامپ در سوم تیرماه ۱۳۹۸ با ارجاع به قانون اضطرارهای ملی ایالات متحده، فرمان اجرایی ۱۳۸۷۶ را صادر کرد که رهبر معظم انقلاب، دفتر ایشان و افراد به‌طور مستقیم و غیرمستقیم منصوب ایشان را هدف قرار می‌داد (USDOT, 24 June 2019). تحریم محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه وقت جمهوری اسلامی از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا در ۹ مردادماه ۱۳۹۸ با استناد به همین فرمان اجرایی صورت گرفت.

ترامپ با صدور فرمان اجرایی شماره ۱۳۹۰۲ در بیستم دی‌ماه ۱۳۹۸، امکان گسترش دامنه تحریم‌ها تا تعرض به بخش‌های مالی جمهوری اسلامی و توقیف دارایی مرتبط با آنها را فراهم کرد. به دنبال امضای این فرمان بود که وزارت خزانه‌داری آمریکا در ۱۸ مهرماه ۱۳۹۹ در مشورت با وزارت خارجه این کشور، ۱۸ بانک ایرانی را در فهرست تحریم‌های خود قرار داد که به معنای ممنوعیت همکاری اشخاص و نهادهای آمریکایی و غیرآمریکایی با آنها و توقیف دارایی‌هایشان در حوزه صلاحیت قضایی ایالات متحده است (USDOT, 10 January 2020). با اعمال این تحریم دیگر هیچ بانک ایرانی از مشمول تحریم‌های آمریکا خارج نیست. پنجمین فرمان اجرایی ترامپ در ۳۱ شهریور ۱۳۹۹ به شماره ۱۳۹۴۹ تحت عنوان «مسدودسازی دارایی‌های اشخاص معین مرتبط با فعالیت‌های مربوط به تسلیحات متعارف ایران» صادر شد تا زیرساخت‌های حقوقی لازم برای اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران را برای دستگاه‌های اجرایی ایالات متحده فراهم سازد (USDOT, 21 September 2020) و لغو تحریم‌های تسلیحاتی بین‌المللی علیه تهران که یک ماه بعد ذیل قطعنامه ۲۲۳۱ اتفاق افتاد را بی‌اثر نماید.

دومینوی تحریم‌های ضد ایرانی ترامپ پس از خروج یکجانبه آمریکا از برجام تنها به صدور فرمان‌های اجرایی تازه محدود نبود، بلکه وی از قوانین تحریمی پیش‌برجام کنگره و فرمان‌های اجرایی رؤسای جمهور پیشین در سال‌های بسیار دور نیز برای پیشبرد کارزار «فشار حداکثری» خود علیه تهران در بالاترین سطح ممکن بهره برد. در حقیقت از آنجاکه کنگره در فضای پس‌برجام به‌رغم خودداری ترامپ از تأیید پایبندی ایران به برجام برای برگشت تحریم‌ها علیه اقدامی انجام نداد، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا این خلاء قانونی را با گسترش دامنه شمول تحریم‌های پیشین در کنار صدور فرمان‌های اجرایی تازه پر کرد. برای نمونه، وزارت خزانه‌داری آمریکا در ۵ آبان‌ماه ۱۳۹۹، شرکت ملی نفت و شرکت ملی نفتکش ایران را بر مبنای فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴ (۱ مهرماه ۱۳۸۰) به فهرست تحریم‌ها اضافه کرد (USDOT, 26 October 2020)، در صورتی که تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران به‌لحاظ زمانی اساساً هیچ ارتباطی با این فرمان اجرایی نداشته‌اند.

فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴ با عنوان «توقیف اموال و جلوگیری از تبادلات افرادی که مرتکب تروریسم شده‌اند، تهدید به این کار کرده‌اند و یا از آن حمایت می‌کنند» که تنها چند روز پس از حملات یازدهم سپتامبر از سوی بوش پسر متعاقب حوادث یازدهم سپتامبر صادر شده بود، دستاویز ترامپ برای تشدید تحریم‌های پس‌برجامی علیه ایران قرار گرفت. ترامپ با توسل به همین فرمان بود که در ۱۹ فروردین‌ماه ۱۳۹۸ کلیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست خودخوانده به‌اصطلاح

!National Emergencies Act

«سازمان‌های تروریستی خارجی» و مشمول تحریم قرار داد (CUP, 2019: 609). ترامپ حتی تا آخرین روزهای حضور در کاخ سفید نیز از هیچ اقدامی برای تحریم ایران و پیچیده‌ساختن امکان بازگشت دولت بعدی آمریکا به برجام فروگذار نکرد. آخرین تلاش دولت ترامپ در این زمینه به ۱۶ دی‌ماه ۱۳۹۹ و تنها چند روز پیش از ورود جو بایدن به کاخ سفید از طریق افزودن نام‌هایی تازه از صنایع فلزی ایران به فهرست تحریم‌ها ذیل فرمان اجرایی ۱۳۸۷۱ بازمی‌گردد (USDOT, 5 January 2021).

۳-۴. پیامدهای اقتصادی تحریم‌ها

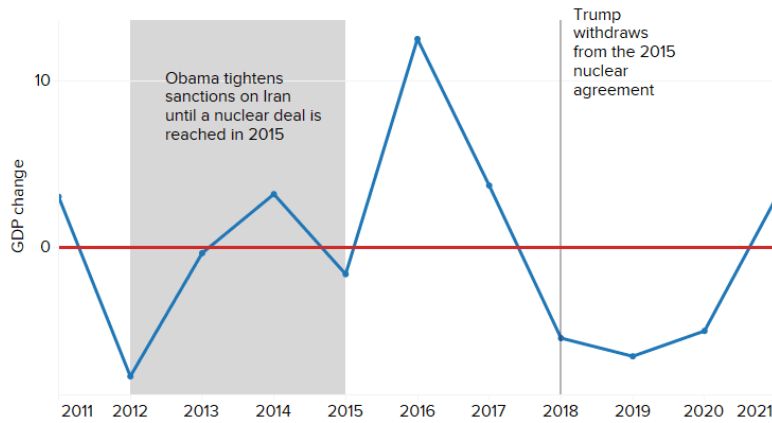
تحریم‌های اقتصادی علیه تهران بیش از همه بخش‌های انرژی و مالی کشورمان را هدف قرار داده و آثار اقتصادی تحریم‌ها بر اقتصاد ایران به‌طور عمده پیامد اعمال محدودیت بر این دو بخش به‌طور نزدیک در هم تنیده بوده است. هدف از اعمال تحریم‌ها علیه بخش انرژی ایران، کاهش توانایی‌های تهران برای تولید، فروش و حمل‌ونقل و ایجاد محدودیت در سرمایه‌گذاری و نیز دسترسی به درآمدهای نفت و گاز -به‌مثابه مهم‌ترین منابع طبیعی و نیز منبع اصلی درآمد عمومی کشور- است. به همین دلیل با اینکه ایران برحسب داده‌های سال ۲۰۲۰ به‌ترتیب دارای ۹٫۱ و ۱۷٫۱ درصد دخایر اثبات‌شده نفت و گاز جهان بوده، اما به‌ترتیب تنها ۳٫۵ و ۶٫۵ درصد از تولید نفت و گاز طبیعی جهان را به‌خود اختصاص داده است (BP, 2021: 16-۳۶). سهم ایران از بازار صادرات این دو محصول نیز اگرچه در شرایط تحریم به‌دشواری قابل ارزیابی است، اما به احتمال قوی بسیار اندک خواهد بود.

تحریم‌ها علیه بخش‌های مالی و بانکی ایران نیز بانک‌های ایرانی از جمله بانک مرکزی ایران را تقریباً به‌طور کامل از سیستم مالی بین‌المللی منزوی کرده است. علاوه بر مسدود کردن دسترسی بانک‌های ایرانی به سیستم مالی ایالات متحده، متقاعد کردن مؤسسات مالی خصوصی به «خودسانسوری» -به‌معنای حذف داوطلبانه مشتریان ایرانی و امتناع از پردازش حساب‌های متصل به ایران- نیز یکی از مؤلفه‌های اصلی راهبرد تحریم‌های آمریکا به‌شمار می‌آید (Zarate, 2015: 8). علاوه بر تحریم همه بانک‌های ایران، دولت اواما از طریق قطع ارتباط شبکه مالی ایران با سوئیفت، مسدود کردن تراکنش‌های یوترن^{۲۲} برای بانک‌های ایرانی و نیز شناسایی تراکنش‌ها با ایران به‌مثابه مصداق پولشویی و خطر بالقوه برای سیستم مالی جهان از سوی دستگاه قضایی ایالات متحده، سیستم مالی ایران را تحت شدیدترین فشارهای ممکن قرار داده بود (Samore, 2015: 16).

تحریم‌های یکجانبه پسابرجامی ایالات متحده نیز با اینکه فاقد پشتیبانی بین‌المللی بود از شدت به‌مراتب بیشتری برخوردار بودند و بار سنگین‌تری به سیستم مالی ایران تحمیل کردند، هرچند پیامدهای اقتصادی مخرب‌تری برجا نگذاشت. خبرگزاری سی‌ان‌بی‌سی^{۲۳} (Ng, 2022) با استناد به داده‌های صندوق بین‌المللی پول، نمودارهایی را برای مقایسه اقتصاد ایران ذیل شش مؤلفه به تفکیک سه دوره تحریم‌های آمریکایی پیشابرجام (۲۰۱۲-۲۰۱۵)، برجام (۲۰۱۵-۲۰۱۸) و تحریم‌های پسابرجام (۲۰۱۸) تا به امروز) ترسیم نموده که در زیر نشان داده شده‌اند.

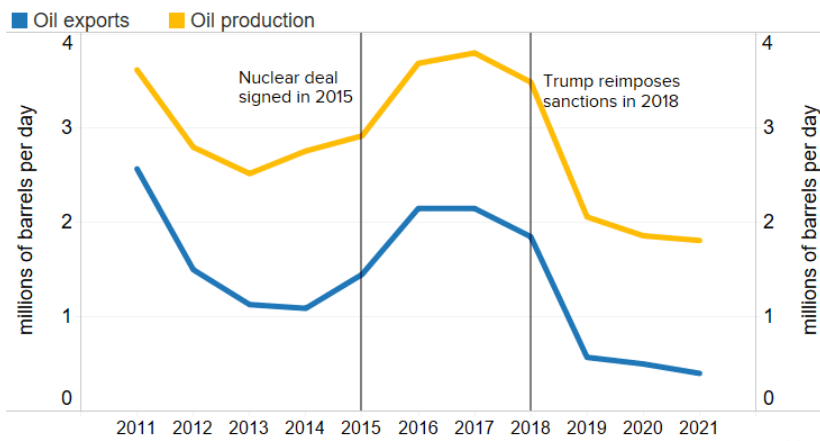
^{۲۲}U-turn Transaction

^{۲۳}CNBC



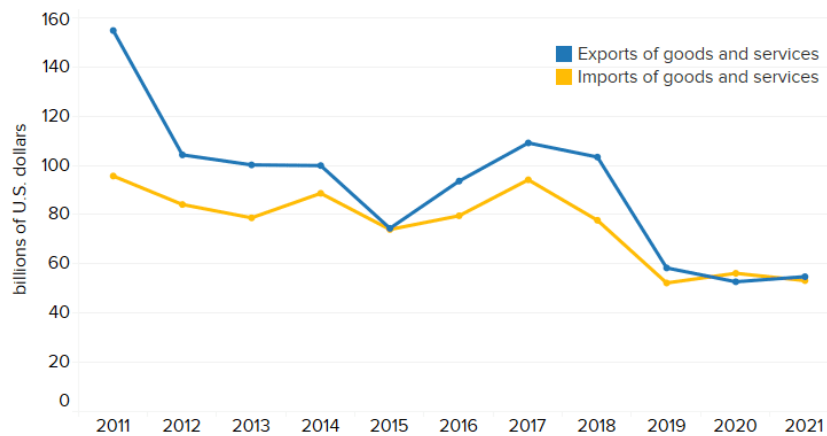
نمودار شماره ۱: تغییرات رشد اقتصادی ایران طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۲۱ (برحسب تولید ناخالص داخلی)

منبع: (Ng, 2022)



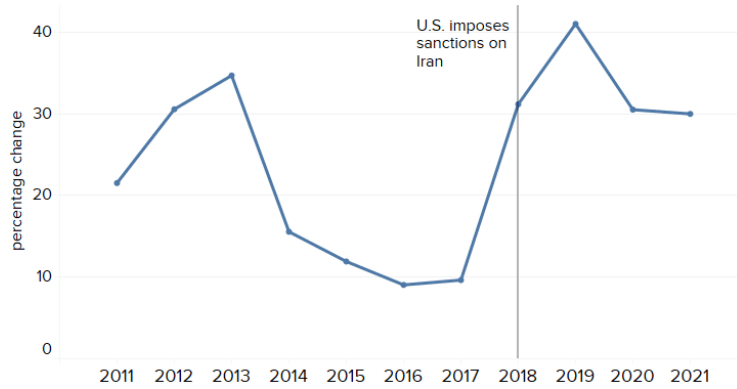
نمودار شماره ۲: تغییرات تولید و صادرات نفت ایران طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۲۱

منبع: (Ng, 2022)



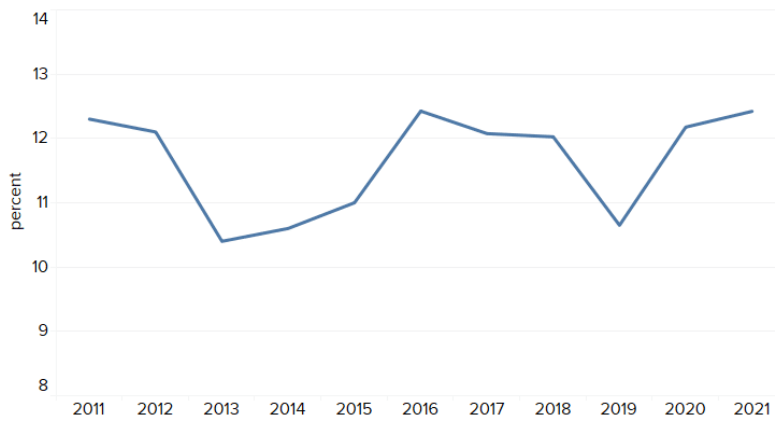
نمودار شماره ۳: تغییرات بازرگانی (صادرات/واردات کالا و خدمات) ایران طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۲۱

منبع: (Ng, 2022)



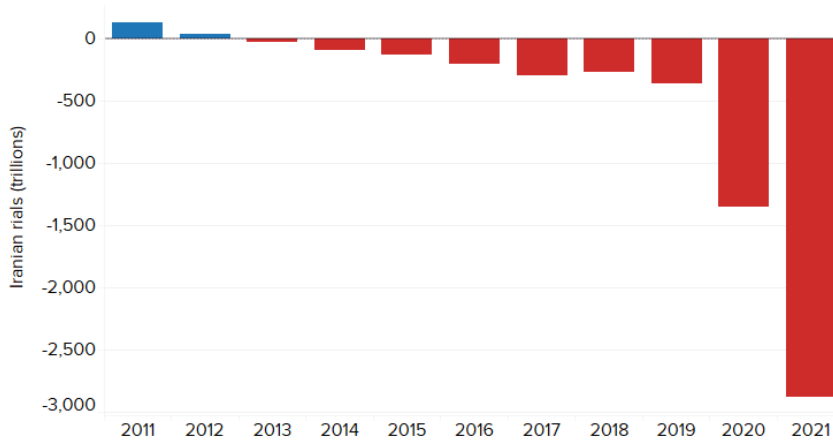
نمودار شماره ۴: تغییرات نرخ تورم در ایران طی سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۱۱

منبع: (Ng, 2022)



نمودار شماره ۵: تغییرات نرخ بیکاری در ایران طی سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۱۱

منبع: (Ng, 2022)



نمودار شماره ۶: تغییرات کسری مالی در ایران طی سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۱۱ (برحسب ریال)

منبع: (Ng, 2022)

با نگاهی به شش نمودار بالا می‌توان دریافت که اگرچه سه شاخص تولید و صادرات نفت، صادرات و واردات کالا، و کسری مالی در شرایط تحریم‌های پسابرجامی نسبت به تحریم‌های پیشابرجام افت زیادی داشته‌اند، اما این نسبت در خصوص شاخص‌های رفاه اقتصادی شامل رشد اقتصادی، نرخ تورم، و نرخ بیکاری صادق نیست. ضمن اینکه شاخص کسری مالی برپایه تغییرات نرخ دلار نسبت به ریال محاسبه شده است و بنابراین تصویری واقعی از درآمدهای ارزی دولت ارائه نمی‌دهد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت با اینکه تحریم‌های دوران ترامپ به نسبت تحریم‌های پیشابرجام در قطع دسترسی ایران به تراکنش‌های مالی و مراودات بازرگانی بین‌المللی ایران به مراتب کارسازتر بوده‌اند، اما پیامدهای مخرب‌تری بر رفاه اقتصادی ایرانیان نداشته‌اند. با این توصیف در اینکه تحریم‌های ایالات متحده طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۵ و از سال ۲۰۱۸ تاکنون، تلفات قابل توجهی بر اقتصاد ایران وارد کرده است، اختلاف کمی وجود دارد. با این همه، آثار مخرب تحریم‌های پسابرجامی بر اقتصاد ایران بیشتر از تحریم‌های پیشابرجام نبوده است، درحالی‌که شدت و گستره تحریم‌های دوران ترامپ به مراتب بیشتر از تحریم‌های دوران اوپاما بوده است (Talley, 2020). این تفاوت را از یک سو می‌توان بر حسب تفاوت در دیدگاه‌های حاکم بر اندیشه‌های دو رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده توضیح داد و از سوی دیگر به توانایی‌های ایران در بی‌اثرساختن دیپلماسی فهرآمیز واشنگتن علیه تهران به دنبال مقاومت ایرانیان در برابر زیاده‌خواهی‌های ایالات متحده و نظام سلطه جهانی مرتبط دانست.

رویکرد دولت اوپاما در مواجهه با ایران به دیدگاه‌های لیبرالیستی روابط بین‌الملل که پیشرفت و دستیابی به صلح از طریق وضع اصول و قواعد مشترک در نظام بین‌الملل آنارشیک را ممکن می‌داند، نزدیک بود. از این رو اعتقاد اوپاما به مفهوم "صلح قابل دستیابی" از طریق "تکامل تدریجی در نهادهای انسانی" و "ترجیح آشکار او برای یک راه‌حل مسالمت‌آمیز و دیپلماتیک"، مانع از تأکید بر حذف برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و یا مسدودساختن تمام منافذ دسترسی ایران به سیستم اقتصادی و مالی جهانی و انزوای کامل تهران در سطح بین‌المللی می‌شد. در مقابل، ترامپ عمدتاً تحت تأثیر مکتب واقع‌گرایی روابط بین‌الملل که نسبت به پیشرفت و امکان همکاری بین دولت‌ها به دیده تردید می‌نگرد، قرار دارد. به همین دلیل ترامپ اساساً به "اهداف صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران" اعتقادی نداشت و آن‌را به رسمیت نمی‌شناخت و معتقد بود که برنامه هسته‌ای ایران با هدف تولید سلاح هسته‌ای دنبال می‌شود و بنابراین تنها راه صلح‌آمیز مبارزه با آن، برچیدن برنامه هسته‌ای ایران است و در این مسیر هیچ راه‌گزینی برای تهران جهت مبادله مالی با سایر دولت‌ها نباید باقی گذاشت (Lee et al., 2019: 1-2).

در رابطه با تأثیر عنصر مقاومت بر کاهش پیامدهای اقتصادی مخرب تحریم‌های پسابرجام به‌رغم تشدید آنها در مقایسه با دوران پیشابرجام نیز باید به درک ایرانیان از ماهیت زیاده‌خواه و خودتقویت‌کننده دیپلماسی اجبار اشاره کرد که آنها را به مقاومت در برابر فشارهای ایالات متحده با هدف متوقف‌کردن دومینوی باج‌خواهی‌های واشنگتن رهنمون ساخته است. این وضعیت در حقیقت فصل مشترک پیامدهای اقتصادی و اجتماعی-سیاسی تحریم‌ها به‌شمار می‌آید و هم‌افزایی (سازنده یا مخرب) میان این دو حوزه را نشان می‌دهد که حالت سازنده آن‌را می‌توان در رابطه با تحریم‌ها علیه ایران مشاهده کرد.

۴-۴. پیامدهای اجتماعی-سیاسی تحریم‌ها

تحریم‌های آمریکا ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در ایران را نیز در کنار ساختارهای اقتصادی و مالی به اشکال گوناگون تحت تأثیر قرار داده است. وخامت اقتصادی ناشی از آشفستگی در بازارهای مالی، طلا و ارز با شوک‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی و رفتارهای هیجانی بخشی از جامعه در مواجهه با برخی کاستی‌ها و کمبودها همراه بوده است. افزایش تقاضا برای مهاجرت از ایران به‌ویژه در میان قشر تحصیل‌کرده نیز رشد نشان می‌دهد (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۸). برخی پژوهش‌های نیز از کاهش احساس امید و اعتماد به آینده و تنزل سرمایه اجتماعی در کشور خبر می‌دهند (Aslan et al., 2020: 15-).

با این همه هیچ‌کدام از موارد پیش‌گفته به‌معنای در آستانه فروپاشی قرارداشتن یا گرفتن ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور به‌دنبال وضع تحریم‌ها علیه تهران نیست. حتی با اینکه برخی تحلیل‌گران و نویسندگان دانشگاهی از احتمال فروپاشی ساختار اقتصادی و مالی ایران به‌دنبال تحریم‌های ثانویه ایالات متحده به‌ویژه طی دوران ترامپ سخن گفته بودند (Rafiei, 2020: 2)، اما نه‌تنها کمتر کسی از جامعه علمی به فروپاشی نظم سیاسی-اجتماعی در ایران اعتقاد داشت، بلکه نویسندگان زیادی به تکرار امکان تغییر رژیم در ایران به‌واسطه تحریم‌ها را حتی در صورت فروپاشی اقتصادی مردود دانسته بودند (Atlas and Davenport, 2018: 27-28). حتی کنگره آمریکا نیز در تازه‌ترین گزارش خود با اشاره به اعتراض‌های سیاسی-اجتماعی دو دهه گذشته در ایران از جمله به‌دنبال انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸، دی‌ماه ۱۳۹۶ و به‌ویژه آبان‌ماه ۱۳۹۸، ارتباط بین تحریم‌ها و ناآرامی‌ها در ایران را ضعیف توصیف کرده است (Katzman, 2022: 52). نظرسنجی مشترک دانشگاه مریلند^۴ و مؤسسه ایران‌پل^۵ در سپتامبر ۲۰۲۱ نیز بر انسجام سیاسی-اجتماعی جامعه ایران و امیدواری شهروندان ایرانی به بهبود اوضاع معیشتی در اوج تحریم‌های فلج‌کننده واشنگتن علیه تهران صحنه می‌گذارد. برپایه داده‌های این نظرسنجی اگرچه ۴۰٪ شهروندان ایران از شیوه برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری خردادماه ۱۴۰۰ ناراضی هستند، اما این نگرش مستقل از دیدگاه‌های آنها در مورد نتیجه انتخابات است. به‌طوری‌که ۷۲٪ پرسش‌شوندگان از نتیجه انتخابات راضی بوده‌اند (۳۱٪ خیلی راضی و ۴۱٪ نسبتاً راضی) (IranPoll, 2021: 11).

علاوه بر این، میزان تأثیر تحریم‌ها بر ایجاد و تداوم مشکلات شدید اقتصادی اخیر در ایران و سرایت آنها به سپهر سیاسی-اجتماعی کشور نیز محل بحث است. بسیاری از کارشناسان و تحلیل‌گران و حتی مسئولین بر این اعتقاد هستند که اگرچه تحریم‌ها در ایجاد چالش‌های کنونی در حوزه اقتصادی تأثیر به‌سزایی داشته‌اند، اما متهم ردیف اول در وخامت اوضاع و بروز نارضایتی در کشور، نه تحریم‌ها، بلکه سوءمدیریت اقتصادی، فساد و سایر ناکارآمدی‌های فردی و نهادی بوده است (خبرگزاری آنا، ۲۴ مهر ۱۳۹۹). برپایه نظرسنجی مشترک دانشگاه مریلند آمریکا و مؤسسه ایران‌پل نیز سه چهارم مردم ایران، سوءمدیریت اقتصادی داخلی و فساد را مقصر وضعیت وخیم اقتصادی کشور معرفی می‌کنند و تحریم‌ها و همه‌گیری کرونا با فاصله زیاد در جایگاه‌های دوم و سوم قرار دارند (IranPoll, 2021: 13).

مشکلات ساختاری اقتصاد و وابستگی آن به درآمدهای نفتی و گره‌زدن فعالیت‌های اقتصادی کشور به ارزهای حاصل از درآمدهای نفتی که دو عامل اصلی نوسانات رشد اقتصادی به‌ویژه در دو دهه اخیر بوده‌اند نه‌تنها به‌طور مستقیم با تحریم‌ها در ارتباط نیستند، بلکه در بستر حکمرانی مطلوب می‌توانند خنثی‌کننده اثر تحریم‌ها تلقی شوند (دلیری، ۱۴۰۰). سهم عوامل درون‌زا در مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور از دیدگاه رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی بیش از ۷۰ درصد (خبرگزاری مهر، ۱۳ مهر ۱۳۹۹) و به عقیده نایب‌رئیس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق بازرگانی تهران دست‌کم ۵۰ است (ایبنا، ۸ اسفند ۱۳۹۹). پیش از همه این اظهارنظرها نیز توماس اردبرینک^۶ در همان ماه‌های ابتدایی وضع تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه تهران با انتشار مقاله‌ای در روزنامه نیویورک تایمز بر این دیدگاه‌ها صحنه گذاشته بود و اثر سوءمدیریت بر اقتصاد ایران را بیش از تحریم ارزیابی کرده بود (Erdbrink, 2012).

شفاف‌سازی در خصوص میزان تأثیر تحریم‌ها در بروز مشکلات اقتصادی کشور در این بخش از مقاله بیشتر به جهت نقش این مشکلات در بروز تنش‌های سیاسی-اجتماعی بوده است تا نشان دهد که اعتراض‌های سیاسی سال‌های اخیر را

^۱University of Maryland

^۲IranPoll

^۳ Thomas Erdbrink

نمی‌توان به‌طور مستقیم به تحریم‌ها نسبت داد. در هر صورت، مشکلات انباشته‌شده اقتصادی صرف‌نظر از ریشه آنها می‌توانند به‌سرعت به بحران‌های سیاسی-اجتماعی تبدیل شوند. شکنندگی‌های اقتصادی ایران در سایه تحریم بی‌شک در زمره فرصت‌های بالقوه دشمنان برای ضربه‌زدن به نظام جمهوری اسلامی و جبران شکست‌های پیشین خود در سلطه بر ملت ایران دسته‌بندی می‌شود، اما به‌فعلیت رسیدن این فرصت بالقوه بیش از تلاش طرف فرستند تحریم، نیازمند تسلیم و کرنش مردمان تحت تحریم در برابر خواست تحریم‌کننده است. این در حالی است که تجربه زندگی ایرانیان تحت شرایط تحریم در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌ویژه طی یک دهه گذشته به‌خوبی نشان می‌دهد که بحران‌های سیاسی و اجتماعی متعاقب فشارهای بیرونی در ایران حتی در شرایط تداوم بحران اقتصادی به‌سرعت به نقطه تعادل بازگشته‌اند.

بی‌شک مقاومت در برابر تحریم‌های اقتصادی فلج‌کننده آمریکا در شرایط سوءمدیریت و بروز برخی فسادهای داخلی بدون پشتیبانی همه‌جانبه مردم و عزم راسخ آنها برای بی‌اثرساختن دیپلماسی قهرآمیز واشنگتن علیه تهران ممکن نبود و نیست. نشریه فرانسوی آتلانتیکو^۷ که در دسامبر ۲۰۲۰ با انتشار گزارشی به قلم اردوان امیر اصلانی^۸ از مقاومت اقتصاد ایران در مقابل تحریم‌های آمریکا پرده برداشته بود، صراحتاً اذعان داشته بود که «اکنون پس از گذشت بیش از چهل سال تحت تحریم‌های شدید بین‌المللی، جای تعجب است که ایران توانسته خود را با این شرایط سازگار نموده و کماکان به حیات خویش ادامه دهد.» به باور نویسنده، تحریم واردات ایران، تولید داخلی را احیا کرده و به ایجاد مشاغل جدید کمک کرده است و ایرانیان با کمک یکدیگر توانسته‌اند با ملی‌سازی فرایند تولید و منطقه‌ای کردن تجارت خود، الگوی اقتصادی جایگزینی را ایجاد کنند (Amir-Aslani, 2020).

با این توصیف‌ها، می‌توان اظهار داشت که تحریم‌ها علیه تهران نتایج معکوسی برای ایالات متحده به‌همراه داشته‌اند که دلیل عمده آنرا باید در وجود عناصر مقاومت، عدالت‌خواهی، بیدادستیزی، دادگری و برابری‌طلبی نهفته در فرهنگ راهبردی ایرانیان به‌مثابه مؤلفه‌های هویت‌بخش قدرت نرم جمهوری اسلامی (هرسیچ و تویسرکانی، ۱۳۸۹: ۱۶۸) جستجو کرد. به همین جهت، تحریم‌های گسترده واشنگتن علیه تهران حتی بخشی از مخالفان سیاست هسته‌ای در داخل ایران را نیز به حمایت از این برنامه یا دست‌کم مقاومت در برابر زیاده‌خواهی‌های ایالات متحده برای بی‌اثرساختن دیپلماسی اجبار واشنگتن علیه تهران واداشته است. نتایج یک نظرسنجی داخلی در ابتدای وضع تحریم‌های پس‌ابرجام از سوی ترامپ، نشان می‌دهد که ۸۳ درصد شهروندان به شرط مبارزه با مفسدان اقتصادی داخلی، حاضر هستند تا در برابر مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم‌ها مقاومت کنند (فردانیوز، ۱ مرداد ۱۳۹۷).

در واقع، راهبرد فشار واشنگتن علیه برنامه هسته‌ای تهران نه‌تنها به تضعیف آن منجر نشده، بلکه باعث تقویت آن نیز شده است که دلیل اصلی این امر را باید در بی‌اعتمادی عمومی ایرانیان به آمریکا و نظام بین‌المللی به‌دلیل نقش آنها در حمایت از صدام طی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران جستجو کرد (Mohseni-Cheraghloou, 2015: 3-4). همسویی جناح‌های سیاسی در ایران برای صف‌آرایی در مقابل تحریم‌ها و جلوگیری از تبدیل فشارهای اقتصادی به شکاف‌های سیاسی-اجتماعی در کشور از دیگر پیامدهای تحریم‌های یکجانبه آمریکا به‌شمار می‌آید (Zamirirad, 2019: 7). به‌گونه‌ای که هرچه شدت تحریم‌ها بیشتر می‌شود از اهمیت رقابت‌های سیاسی و جناحی نیز کاسته شده و منافع ملی اولویت می‌یابد.

هدف ایالات متحده از اعمال تحریم‌ها علیه تهران به‌ویژه طی دوران ترامپ از موضوع برنامه هسته‌ای بسیار فراتر رفته و «تغییر رفتار ایران» و کوتاه‌آمدن تهران از تعقیب منافع ملی، منطقه‌ای و جهانی را دنبال می‌کند و فهم این واقعیت از سوی

^۷Atlantico

^۸Ardavan Amir-Aslani

ایرانیان، نرخ موفقیت دیپلماسی اجبار واشنگتن علیه تهران را به شدت کاهش داده است. فرهنگ راهبردی ایرانیان با ناکام گذاشتن دیپلماسی قهری واشنگتن علیه تهران، محاسبه‌ها و معادله‌های حریف برای سوءاستفاده از فشارهای اقتصادی وارده به شهروندان ایرانی در اثر تحریم‌ها و فشارهای خارجی را برهم‌زده و با ارتقای غرور و حیثیت ملی ایرانیان بر غنای این فرهنگ افزوده است. هرچه این چرخه بیشتر و پر قدرت‌تر تکرار شود، فهم حریف از کارکرد معکوس دیپلماسی اجبار نیز بیشتر خواهد شد تا اینکه چاره‌ای جز دست‌کشیدن از فشار و روی آوردن به شیوه‌هایی که زینده ایرانیان است، نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری

پیشینه تحریم‌های یکجانبه علیه جمهوری اسلامی ایران به ماه‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌گردد، هنگامی که بحران گروگان‌گیری به چندین دهه روابط هماهنگ ایران و ایالات متحده پایان داد. جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در آبان‌ماه ۱۳۵۷ دستور مسدودکردن دارایی‌های ایران در بانک‌های ایالات متحده و ممنوعیت واردات از ایران را صادر کرد. از آن زمان تا به امروز، همه رؤسای جمهور این کشور تحریم‌های تازه‌ای را علیه تهران با هدف تضعیف بخش‌های اقتصادی، نظامی، اجتماعی یا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وضع کرده‌اند که همه آنها تا پیش از سال ۱۳۷۵ و تصویب قانون ایلسا (داماتو) ذیل مفهوم تحریم اولیه دسته‌بندی می‌شدند.

با این حال، نخستین تحریم‌های فراگیری که کل اقتصاد ایران را در چارچوب مفهوم تحریم ثانویه هدف قرار داد از سال ۱۳۸۹ در دوران زمامداری اوباما از سوی کنگره آمریکا با هدف وادارساختن تهران به محدودساختن برنامه هسته‌ای خود اعمال شد. تحریم‌های یکجانبه اولیه و ثانویه واشنگتن در این مقطع با تحریم‌های بین‌المللی مندرج در قطعنامه‌های ۱۷۳۷ (دی ۱۳۸۵)، ۱۷۴۷ (فروردین ۱۳۸۶)، ۱۸۰۳ (اسفند ۱۳۸۶) و ۱۹۲۹ (خرداد ۱۳۸۹) شورای امنیت ملل متحد، تحریم‌های اتحادیه اروپایی و تحریم‌های یکجانبه تعدادی دیگر از هم‌پیمانان ایالات متحده همراه گشت و بسیاری از این تحریم‌ها که تا زمان اجرایی شدن توافق ایران و ۵+۱ تداوم داشتند در ۲۷ دی‌ماه ۱۳۹۴ برچیده شدند.

تا اینکه با پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری آبان‌ماه ۱۳۹۵ و وعده انتخاباتی وی مبنی بر خروج واشنگتن از برجام در صورت راه‌یابی به کاخ سفید، احتمال تغییر رویکرد سیاسی ایالات متحده در قبال توافق ایران و ۵+۱ قوت گرفت. ناکامی در به‌دست‌آوردن شواهد نقض برجام توسط ایران، ترامپ را به تمرکز بر برنامه موشکی تهران و مناسبات ایران با گروه‌های مقاومت در غرب آسیا واداشت و با استناد به آنها، دولت جمهوری اسلامی ایران را ناقض روح برجام خواند و در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ به‌طور رسمی خروج ایالات متحده از برجام و بازگشت تحریم‌های پیش‌برجام را اعلام داشت. ترامپ و دستیارانش تا آخرین روزهای حضور در کاخ سفید همچنان بر شدت و دامنه تحریم‌ها علیه تهران افزودند تا جایی که تحریم‌های پس‌برجامی یکجانبه آمریکا به‌مراتب فراگیرتر و شدیدتر از مجموع تحریم‌های پیش‌برجامی یکجانبه آمریکا، تحریم‌های یکجانبه دیگر دولت‌ها، تحریم‌های چندجانبه اتحادیه اروپایی و تحریم‌های بین‌المللی شورای امنیت ملل متحد به‌شمار می‌آیند.

تحریم‌های ایالات متحده به‌رغم فشارهای اقتصادی سنگینی که به دولت و ملت ایران تحمیل نمود، پیامدهای سیاسی و اجتماعی موردانتظار واشنگتن را برآورده نساخت. کارزار فشار حداکثری دولت ترامپ نه‌تنها در تبدیل مشکلات اقتصادی به بحران‌های سیاسی-اجتماعی ناتوان بود، بلکه عزم ایرانیان در پشتیبانی از نظام جمهوری اسلامی برای گذار مطمئن از گردنه تحریم‌ها را نیز راسخ‌تر ساخت. در واقع مردمانی که تخطی آشکار و بدون‌توجیه واشنگتن از یک قرارداد بین‌المللی چندجانبه که طی مذاکراتی طولانی و دشوار با حضور قدرت‌های بزرگ به‌دست آمده بود را مشاهده کردند، دیگر هیچ‌شکی در توسل به مقاومت به‌منابه تنها ابزار مقابله با زیاده‌خواهی‌های ایالات متحده احساس نمی‌کنند. به‌عبارت بهتر، تحلیل‌های تعامل‌گرایانه

پیشابرجام با مشاهده رفتارهای گستاخانه ترامپ در فضای پسابرجام به‌ویژه صدور دستور شهادت سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی جای خود را تماماً به گزینه مقاومت داد.

مقاومت را می‌توان عالی‌ترین مرحله اثر وحدت حول پرچم به‌شمار آورد، چراکه از سطح پشتیبانی فراتر رفته و به فداکاری می‌رسد. عنصر مقاومت نهفته در فرهنگ راهبردی ایرانیان نه‌تنها دشمن را در ضربه‌زدن به انسجام اجتماعی-سیاسی جامعه ایرانی ناکام گذاشته، بلکه در کاهش بار فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها نیز تا حدودی مؤثر واقع شده است. به‌گونه‌ای که به‌رغم تشدید فشار تحریم‌های ترامپ در دوران پسابرجام به‌نسبت تحریم‌های پیشابرجامی اوپاما که به‌شکل افزایش نرخ ارز (و بنابراین افزایش کسری مالی)، کاهش تولید و صادرات نفت و نیز کاهش حجم بازرگانی خارجی کشور خود را نشان داد، شاخص‌های رفاه اجتماعی و رشد اقتصادی کشور شامل نرخ بیکاری، نرخ تورم و به‌ویژه تولید ناخالص داخلی تا حدودی بهبود و یا دست‌کم نوسان داشته‌اند. با اینکه دلایل متعددی را می‌توان در توجیه ناسازگاری تغییرات در شاخص‌های رفاه اقتصادی در شرایط تحریم‌های پسابرجامی به‌رغم تشدید تحریم‌ها از سوی ترامپ ذکر کرد، اما اغلب آنها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به عنصر پایداری ملی در برابر زیاده‌خواهی‌های ایالات متحده که به شکست دیپلماسی قهرآمیز واشنگتن علیه تهران تعبیر می‌شود، ارتباط پیدا می‌کنند.

در هر صورت، وحدت حول پرچم و پشتیبانی از حاکمیت برای عبور از فضای تحریم و پیامدهای اقتصادی مشقت‌بار آن‌را می‌توان کوچکترین منجر مشترک افکار عمومی حاکم بر کشور با همه تفاوت‌ها در سلاقی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به‌تصویر کشید. از این رو پاسخ اولیه مقاله را می‌توان تا حد زیادی صادق دانست و اظهار داشت که تحریم‌های ترامپ به‌رغم شدت بیشتر تنها شرایط اقتصادی ایران را از برخی جهات در مقایسه با تحریم‌های اوپاما وخیم‌تر کرده است، اما شرایط سیاسی-اجتماعی کشور تا حد زیادی در برابر تحریم‌های شدیدتر بیمه شده است که دلیل آن‌را باید در اثر وحدت حول پرچم جستجو کرد.

منابع و مأخذ

/یبنا (۸ اسفند ۱۳۹۹)، «یک فعال اقتصادی در گفتگو با ایبنا: وابستگی اقتصاد ایران به نفت باید کاهش یابد»، قابل دسترس در: <https://www.ibena.ir/news/122391>

بعیدی‌نژاد، حمید (۱۳۹۵)، «تمدید قانون ایسا به معنای برگرداندن خودکار تحریم‌های آمریکا نیست»، ایسنا، ۱۴ آذرماه، قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/95091407388>

خبرگزاری آنتولوژی (۲۴ مهر ۱۳۹۹)، «عامل اصلی مشکلات ایران؛ تحریم‌ها یا ناکارآمدی داخلی؟»، قابل دسترس در: <https://tinyurl.com/2rz2cfxs>

خبرگزاری مهر (۱۳ مهر ۱۳۹۹)، «رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس: تأثیر ۳۰ درصدی تحریم‌ها بر اقتصاد / سوءمدیریت دلیل اصلی مشکلات است»، قابل دسترس در: <https://www.mehrnews.com/news/5039785>

خمرنیا، محمد؛ پیوند، مصطفی و ستوده‌زاده، فاطمه (۱۳۹۹)، «همه‌گیری جهانی ویروس کرونا و تأثیر تحریم‌های سیاسی و اقتصادی علیه ایران»، پایش، ۱۹(۴): ۴۷۱-۴۶۹.

دلیری، امین (۱۴۰۰)، «تأثیرات سوء مدیریت در اجرای سیاست‌های اقتصاد کلان / چرا برنامه‌های اقتصاد مقاومتی و رونق تولید عملیاتی نشد؟»، خبرگزاری تسنیم، ۲۴ بهمن‌ماه، قابل دسترس در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/11/24/2661382>

شعبانی، فرزاد؛ پریراد، رضا و امینی، علیرضا (۱۳۹۹)، «بررسی عوامل پژوهشی در مهاجرت نخبگان در ایران طی سالهای ۱۳۶۸ - ۱۳۹۲»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، ۱۶(۵۳): ۵۷-۷۸.

فردا نیوز (۱ مرداد ۱۳۹۷)، «مبارزه با مفسدان شرط مردم برای مقاومت در برابر تحریم»، قابل دسترس در: <https://www.fardanews.com/fa/tiny/news-848019>

گرشاسبی، علیرضا و یوسفی، مجتبی (۱۳۹۵)، «بررسی اثرات تحریم بین‌المللی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران»، *تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۲۵(۷): ۱۲۹-۱۸۲.

مصطفی‌نژاد، عباس (۱۳۹۴)، «تأثیر سیاست تحریم بر مذاکرات هسته‌ای ایران»، *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*، ۱۱(۳۹): ۱-۳۲.

هرسیج، حسین و تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۹) «تأثیر مؤلفه‌های هویت ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۳(۱): ۱۵۱-۱۸۱.

یزدانی، عنایت‌الله و نوذری گرمه خانی، امین (۱۳۹۳)، «تأثیر تحریم‌های غرب بر ساختار اقتصادی و اراده سیاسی ایران»، *مجموعه مقاله‌های دومین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم*، بابلسر: شرکت پژوهشی طرود شمال.

Abdoli, A. (2020), "Iran, Sanctions, and the COVID-19 Crisis", *Journal of Medical Economics*, 23(12): 1461-1465, DOI: 10.1080/13696998.2020.1856855.

Ahmadi, A. (2018), "The Impact of Economic Sanctions and the JCPOA on Energy Sector of Iran", *Global Trade and Customs Journal*, 13(5): 198-223, DOI: 10.54648/gtcj2018023.

Alexseev, M. A. and Hale, H. E. (2019), "Crimea Come What May: Do Economic Sanctions Backfire Politically?", *Journal of Peace Research*, 57(2): 344-359, DOI: 10.1111/j.00223433.19866879.

AliMoghaddasi Kelishomi, A. and Nistico, R. (2022), "Employment Effects of Economic Sanctions in Iran", *World Development*, 151, 105760, DOI: 10.1016/j.worlddev.2021.105760.

Amir-Aslani, A. (2020), "Faced with US Sanctions, the Strong Resilience of the Iranian Economy", *Atlantico*, 3 December, Available at: <https://atlantico.fr/author/ardavan-amir-aslani-1500157>, Accessed on: 25 June 2022.

Aslan, M., Aslan, A. and Rashid, Y. (2020), "Economic and Socioeconomic Consequences of Us Sanctions on Iran", Center for Iranian Studies in Ankara (İRAM), March, Available at: https://iramcenter.org/d_hbanaliz/Economic_and_Socioeconomic_Consequences_of_US_Sanctions_on_Iran_1.pdf, Accessed on: 25 March 2022.

Atlas, T. and Davenport, K. (2018), "Trump Challenges Europeans Over Iran Deal", *Arms Control Today*, 48(8): 27-28.

Balan, G.-D. (2013), "The Latest United States Sanctions Against Iran: What Role to the WTO Security Exceptions?", *Journal of Conflict and Security Law*, 18(3): 365-393, DOI: 10.1093/jocsl/18.3.365.

BP (2021), "Statistical Review of World Energy 2021", *British Petroleum*, Available at: <https://www.bp.com/content/dam/bp/business-sites/en/global/corporate/pdfs/energy-economics/statistical-review/bp-stats-review-2021-full-report.pdf>, Accessed on: 8 May 2022.

- CUP (2019), "The State Department Designates Iran's Islamic Revolutionary Guards Corps as a Foreign Terrorist Organization", *American Journal of International Law*, 113(3): 609-613, DOI: 10.1017/ajil.2019.38.
- Erdbrink, T. (2012), "Inflation, Iran Is Bracing for Worse", *The New York Times*, 2 July, Available at: <https://www.nytimes.com/2012/07/02/world/middleeast/inflation-plagued-iran-prepares-for-worse.html>, Accessed on: 25 June 2022.
- Frye, T. (2018), "Economic Sanctions and Public Opinion: Survey Experiments from Russia", *Comparative Political Studies*, 52(7): 967-994, DOI: 1177/0010414018806530.
- Galtung, J. (1967), "On the Effects of International Economic Sanctions, With Examples from the Case of Rhodesia", *World Politics*, 19(03): 378-416, DOI: 10.2307/2009785.
- Ghasseminejad, S. and Jahan-Parvar, M. R. (2021), "The Impact of Financial Sanctions: The Case of Iran", *Journal of Policy Modeling*, 43(3), 601-621, DOI: ۱۰.۱۰۱۶/۰.۰۰۰۰۰۰۰۰.۲۰۲۱.۰۳.۰۰۱.
- Giumelli, F. (2013), *How EU Sanctions Work: A New Narrative*, Lisbon: EU Institute for Security Studies.
- GovInfo (2010), "Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act of ۲۰۱۰", *۰.۰. ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰، ۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰*: <https://www.govinfo.gov/content/pkg/PLAW-111publ195/html/PLAW-111publ195.htm>, Accessed on: 12 March 2022.
- Grossman, G., Manekin, D. and Margalit, Y. (2018), "How Sanctions Affect Public Opinion in Target Countries: Experimental Evidence from Israel", *Comparative Political Studies*, ۵۱(۱۴): ۱۸۲۳-۱۸۵۷, DOI: ۱۰.۱۱۷۷/۰۰۱۰۴۱۴۰۱۸۷۷۴۳۷۰.
- Hufbauer, G. C., Schott, J. J. and Elliot, K. N. (1990), *Economic Sanctions Reconsidered: History and Current Policy*, Washington, D.C.: Institute of International Economics.
- IranPoll (2021), "Iranian Public Opinion as Raisi Takes the Stage", 15 October, Available at: <https://www.iranpoll.com/s/Iranian-Public-Opinion-Sept-2021-Full-Report.pdf>, Accessed on: 25 June 2022.
- Katzman, K. (2017), "Iran Sanctions", *Congressional Research Service*, No. RS20871, 31 January, Available at: <https://www.refworld.org/pdfid/58bd44aa4.pdf>, Accessed on: 12 March 2022.
- Katzman, K. (2022), "Iran Sanctions", *Congressional Research Service*, No. RS20871, 22 March, Available at: <https://www.refworld.org/pdfid/57039fc94.pdf>, Accessed on: 29 March 2022.
- Kerr, K. P. and Katzman, K. (2018), "Iran Nuclear Agreement and U.S. Exit", *Congressional Research Service*, No. R43333, 20 July, Available at: <https://sgp.fas.org/crs/nuke/R43333.pdf>, Accessed on: 25 March 2022.
- Kokabisaghi, F. (2018), "Assessment of the Effects of Economic Sanctions on Iranians' Right to Health by Using Human Rights Impact Assessment Tool: A Systematic Review", *International Journal of Health Policy and Management*, 7(5): 374-393, doi: ۱۰.۱۵۱۷۱/۰۰۰۰۰۰.۲۰۱۷.۱۴۷.
- Lee, K., Kima, M., Lee, B-W., Lee, Y., Ryu, J. S. and Park, J. (2019), "A Comparative Analysis of Approaches toward JCPOA Between the Obama and Trump Administration",

- USDoT (21 September 2020), “Blocking Property of Certain Persons with Respect to the Conventional Arms Activities of Iran”, *U.S. Department of the Treasury*, Available at: <https://home.treasury.gov/system/files/126/13949.pdf>, Accessed on: 27 March 2022.
- USDoT (24 June 2019), “Imposing Sanctions with Respect to Iran”, *U.S. Department of the Treasury*, Available at: <https://home.treasury.gov/system/files/126/13876.pdf>, Accessed on: ۲۷ فروردین ۲۰۲۲.
- USDoT (26 October 2020), “Authorizing Certain Humanitarian Trade Transactions Involving the Central Bank of Iran or the National Iranian Oil Company”, *U.S. Department of the Treasury*, Available at: https://home.treasury.gov/system/files/126/iran_gl18a.pdf, Accessed on: 27 March 2022.
- USDoT (5 January 2021), “Treasury Sanctions Key Actors in Iran’s Steel Sector”, *U.S. Department of the Treasury*, Available at: <https://home.treasury.gov/news/press-releases/sm1226>, Accessed on: 27 March 2022.
- USDoT (6 August 2018), “Executive Order 13846—Reimposing Certain Sanctions with Respect to Iran”, *U.S. Department of the Treasury*, Available at: <https://www.govinfo.gov/content/pkg/DCPD-201800524/pdf/DCPD-201800524.pdf>, Accessed on: 27 March 2022.
- USDoT (8 May 2019), “Imposing Sanctions with Respect to the Iron, Steel, Aluminum, and Copper Sectors of Iran”, *U.S. Department of the Treasury*, Available at: <https://home.treasury.gov/system/files/126/13871.pdf>, Accessed on: 27 March 2022.
- Whang, T. (2010), “Structural Estimation of Economic Sanctions: From Initiation to Outcomes”, *Journal of Peace Research*, 47(5): 561-573, DOI: 10.1177/0022343310376868.
- Zamirirad, A. (2019), “Missing the Target: The Impact of the US »Maximum Pressure« Policy on Iran’s Domestic Sphere”, In A. Vogt and D. Jalilvand (Eds.), *One Year After the Re-Imposition of Sanctions* (pp. 6-9), Friedrich Ebert Stiftung, Available at: <https://library.fes.de/pdf-files/iez/15761.pdf>, Accessed on: 25 March 2022.
- Zarate, J. (2015), “Iran Agreement Testimony to Senate Banking Committee”, *CSIS*, 5 August, Available at: https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy_files/files/attachments/ts150805_Zarate.pdf, Accessed on: 15 March 2022.